

عبادت بزرگ

«... قدم هایش را تندتر کرد. می خواست هرچه زودتر خود را به خانه برساند. در این بعد از ظهر داغ مدینه، فقط کسانی از خانه بیرون می آمدند که کار خیلی مهمی داشتند. همین طور که با عجله راه می رفت، از دور چشمش به کسی افتاد که زیر آفتاب سوزان در زمین کشاورزی اش مشغول کار بود. با خودش گفت: عجب آدم حریص و دنیاطلبی! مگر پول و مال دنیا چقدر ارزش دارد که انسان این گونه خودش را برای به دست آوردن آن به زحمت بیندازد؟ خوب است او را نصیحت کنم. کسی که نزدیک تر شد، تعجبش بیشتر شد. درست می بینم؟ او محمدبن علی (امام باقر علیه السلام) است؟! بین چگونه عرق می ریزد و کار می کند؟!»

— سلام علیکم

امام علیه السلام ایستاد. نفس زنان و عرق ریزان جواب سلامش را داد و دوباره مشغول به کار شد.

— آخر بزرگی از بزرگان قریش، در این هوای گرم با این حال عرق می ریزد و به دنبال دنیا باشد؟! اگر همین حالا مرگ شما فرا رسد و شما در این حال بمیرید چه خواهید کرد؟!

حضرت لحظه ای دست از کار کشید و فرمود:
«اگر در این حال مرگم فرا رسد، در حال عبادت خدا از دنیا رفته ام. من تلاش می کنم تا با

کار کردن، خودم و خانواده‌ام را از کمک دیگران بی‌نیاز سازم. این عبادت خداوند است. اگر قرار باشد از چیزی بترسم، باید از این بترسم که در حال گناه و معصیت مرگم فرا رسد. سرش را پایین انداخت و کمی فکر کرد. چه جواب حکیمانه‌ای! می‌خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. خدا را شکر که به اشتباهم بی‌بردم...»



نمرات کار و کوشش

عوضت را
استخوان می

ج ۱ (کار و تلاش برای بی‌نیاز شدن از دیگران، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه جزء عبادت‌های بزرگ قرار دارد.)

۱. رسول خدا در باره نمرات کار و کوشش می‌فرماید:

ج ۱ (رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن، کار و کسب حلال است. * ج ۱

ج ۱ (فایده دیگر کار کردن، توانایی برای انفاق، سخاوت‌مندی و مشارکت در کارهای خیر است) شما هیچ انسان عاقلی را نخواهید یافت که دوست داشته باشد از پاداش بزرگ خداوند به سخاوتمندان، محروم شود. کسی که خودش نیازمند کمک دیگران باشد، آیا می‌تواند به دیگران انفاق کند؟ آیا کسی که خودش درآمدی ندارد، می‌تواند اموالش را سخاوتمندانه در کارهای خیر خرج کند؟

ج ۱ (یکی دیگر از نمرات کار، برطرف ساختن مشکلات اجتماعی است) کار و اشتغال مناسب می‌تواند از بسیاری از جرائم و تخلفات اجتماعی مانند مزاحمت‌های خیابانی و تکذبی‌گری جلوگیری کند.



به نظر شما بیکاری چه مشکلات دیگری در جامعه به وجود می‌آورد؟

کسب حلال

یکی از اصحاب امام صادق ع از ایشان پرسید: کسی از راه حرام مالی را به دست می‌آورد و برای اینکه گناهش پاک شود، از همان مال به فقیران صدقه می‌دهد، به نزدیکانش رسیدگی می‌کند و به زیارت خانه خدا می‌رود. این کارهایش نزد خداوند چگونه است؟
امام ع فرمود:

آنچه گناهان را پاک می‌کند، کارهای نیک است، اما کار حرام

نی‌تواند حرام دیگری را پاک کند.

ج ۴ (بنابراین، اگر کسی اموالش را از راه حرام به دست آورد، مرتکب گناه بزرگی می‌شود که حتی اگر همه آن اموال را در کارهای خوب نیز مصرف کند، نه تنها گناهانش پاک نمی‌شود؛ بلکه گناهی به گناهانش افزوده خواهد شد.) ج ۴

عوضت را
استخوان می

واجب است آن را به خریدار برگرداند؛ و با کارمندی که موظف است هر روز در محل کارش به انجام امور اداری بپردازد؛ اگر در ساعت کاری به وظایفش نپردازد، بولی که دریافت می کند، حق او نیست و استفاده از آن بول برابرش حرام است. ^۲ بنابراین، ^۳ انسان در هر شغلی ممکن است به خاطر بی توجهی و کوتاهی در انجام وظایفش، گرفتار مال حرام شود (ج ۲، ص ۲۰۰) خداوند درباره این افراد می فرماید :

وای بر کم فروشان،

وَيْلٌ لِلنَّاطِقِينَ

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ
آنان که وقتی برای خود وزن می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند،

و هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند.

وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ خَسِرُونَ

آیا اینان نمی دانند که زنده می شوند؟
در روزی بزرگ،

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ
لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

روزی که همه مردم در برابر پروردگار جهانیان [برای حساب] بایستند.

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

کودک در امتحان کن

- ۱- کار کردن چه فوایدی برای فرد و جامعه دارد؟ سه مورد را بیان کنید.
- ۲- چند کار نام برد که درآمد آنها حرام است.
- ۳- سه شکل حلال نام برد که ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام شود.
- ۴- کسب و کار حرام چه تأثیری بر زندگی انسان دارد؟

پیشنهاد

داستان بازار سیاه (داستان شماره ۲۳ از کتاب داستان راستان، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوانید و آن را برای دوستانتان بازگو کنید.

بیشتر بدانیم

برو کار می کن ...

دیگر طاقتش تمام شده بود. آن قدر فقیر شده بود که حتی نمی توانست برای کودکانش غذایی تهیه کند. نمی دانست چه کار کند.

– فقط همین یک راه بر ایمان باقی مانده است. امروز نزد پیامبر برو و از او کمک بخواه. او حتماً به تو کمک خواهد کرد.

این پیشنهاد همسرش بود.

با اینکه دلش نمی خواست از کسی درخواست کمک کند، ولی چیز دیگری به نظرش نمی رسید. به مسجد آمد. رسول خدا با عده ای از اصحاب نشست بود و مشغول گفت و گو بود.

گوشه ای نشست. منتظر بود تا اطراف پیامبر خلوت شود و بتواند مشکل را با ایشان در میان بگذارد. در این میان ناگهان پیامبر خدا سخنش را قطع کرد و بدون اینکه به او نگاه کند فرمود:

